

زنان، حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی

چکیده

امروزه حفظ محیط‌زیست به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه پایدار مسئله جهانی است که دستیابی به آن بدون مشارکت راستین و آگاهانه مردم ممکن نیست. عموم زنان به دلیل نقش مهمی که در اداره خانه و تربیت کودکان و انتقال فرهنگ و دانش زیست‌محیطی به‌نسل‌های آینده دارند و زنان روستایی به جهت سهم عمده‌ای که در کشاورزی داشته و سابقه دیرینه‌ای که در تشکلهای سنتی محلی دارند، می‌توانند قدرت قابل‌توجهی در فعالیتهای گروهی زیست‌محیطی و حفظ منابع طبیعی داشته، سهم بیشتری در آرایش محیط‌زیست ایفا نمایند. از این‌رو، بررسی نقش زنان در حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی و شناسایی راهکارهای افزایش این نقش برای دستیابی به توسعه پایدار اهمیت به‌سزایی دارد که این مقاله عهده‌دار آن است.

مقدمه

محیط‌زیست و تخریب آن و اثرات ناشی از آن مسئله‌ای جهانی است. در حین اجرای برنامه‌های توسعه باید به این مهم توجه داشته‌باشیم که هم‌زمان با ادغام پدیده‌های توسعه و حفظ محیط‌زیست، امکان بهره‌مندی نسل‌های آینده از زندگی شایسته شئون انسانی آنها فراهم باشد. این مسئله و اجرای آن که در دستور کار ۲۱ (۱) مطرح شده، در درجه اول بر عهده دولت‌ها گذاشته‌شده اما در بخش‌های مختلف این دستور کار، حفظ محیط‌زیست به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه پایدار، با تأکید بر مشارکت راستین و آگاهانه مردم ممکن دانسته شده‌است؛ مردم یعنی زنان، مردان، کودکان و جوانان. ایجاد بستر عینی برای مشارکت مردم از مهم‌ترین رسالت‌های دولت محسوب می‌شود.

متأسفانه در بسیاری از جوامع اهمیت کار زنان و نقش‌های مختلف آنها به‌ویژه در حفظ محیط‌زیست هنوز مورد توجه و تأیید قرار نگرفته‌است. اگر به انسان به‌عنوان محور توسعه پایدار نگاه کنیم و همه افراد جامعه را به یک نسبت دارای ظرفیت توسعه‌پذیری بدانیم، زنان به‌عنوان نیمی از نیروی انسانی جامعه می‌توانند نقشی مؤثر در حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی و حصول توسعه پایدار ایفا نمایند.

مهم‌ترین مباحث زیست‌محیطی

با در نظر داشتن اهمیت مسائل زیست‌محیطی و توجه به‌اینکه بسیاری از بیماری‌ها منشأ زیست‌محیطی دارند، می‌توان مهم‌ترین مشکلات زیست‌محیطی را به ترتیب: آلودگی هوا، آلودگی آب، آلودگی خاک، نابودی جنگل‌ها و مراتع، مصرف بی‌رویه و تولید مواد زاید و زباله دانست.

۱- آلودگی هوا

آلودگی هوا از مشکلات عمده شهرهای بزرگ و صنعتی دنیاست که به‌طور جدی سلامتی مردم را تهدید می‌کند. از مهم‌ترین وقایع ثبت شده در تاریخ آلودگی هوا، افزایش ناگهانی مرگ و میرهای ناشی از آلودگی هوا در ۱۹۳۹ (۱۳۱۸) در بلژیک، ۱۹۴۸ (۱۳۲۷) در پنسیلوانیا و ۱۹۵۲ (۱۳۳۱) لندن را می‌توان نام برد. (۲)

آلودگی هوا، ناشی از وسایل نقلیه و منابع صنعتی و خانگی است و مشکلاتی را برای زندگی در شهرهای بزرگ ایجاد کرده‌است. طبق آمار در سال‌های اخیر، ۷۴ درصد از آلاینده‌های ناشی از سوخت‌های فسیلی مربوط به‌بخش حمل و نقل و استفاده از بنزین و گازوئیل بوده‌است. استاندارد نبودن خروجی‌های دود (اگزوز خودروها)، سوخت و دودکش کارخانه‌ها و نیروگاه‌ها از جمله عواملی هستند که آلودگی هوا را موجب می‌شوند.

تحقیقات نشان می‌دهد سردردهای مکرر، حساسیت‌های پوستی و تنفسی و بیماری‌های چشمی در اثر آلودگی هوا تشدید می‌شوند. هوای آلوده می‌تواند به جنین آسیب برساند و موجب نقص مادرزادی و ناهنجاری‌های جسمی و ذهنی نوزادان شود. عمده‌ترین آلوده‌کننده‌های هوا عبارتند از: منوکسیدکربن، اکسیدهای نیتروژن، هیدروکربن‌ها، اکسیدهای سولفور، ذرات معلق، ازن و گازهای گلخانه‌ای.

۲ - آلودگی آب

۸۰ درصد کل بیماری‌ها در کشورهای در حال توسعه و ۱۳ درصد بستری‌شدگان بیمارستان‌ها را بیمارانی تشکیل می‌دهند که بیماری آنها به‌نحوی با آلودگی آب مرتبط است. گزارش‌ها نشان می‌دهد روزانه ده هزار کودک به‌علت ابتلا به اسهال ناشی از مصرف آب آلوده می‌میرند. سه میلیارد نفر در خطر ابتلا به بیماری‌هایی هستند که از راه آب منتقل می‌شوند. فاضلاب‌های شهری، صنعتی و کشاورزی سردسته آلوده‌کننده‌های آب هستند که از تخلیه آنها، مواد شیمیایی و عوامل بیولوژیکی وارد آب می‌شوند. مواد شیمیایی مثل سولفات‌ها، سدیم، پتاسیم، کلسیم و منیزیم، فلزات سنگین مثل کرم، کادمیوم، کبالت، ترکیبات نیترات، آمونیاک، مواد پاک‌کننده و شوینده و حشره‌کش‌ها، اغلب فلزات سنگین که همراه فاضلاب داخل زمین می‌شوند، سریع‌تر از فاضلاب در زمین نفوذ کرده و خود را به آب‌های زیرزمینی می‌رسانند.

عوامل بیولوژیکی سبب انتشار بیماری‌های انگلی و واگیر نظیر وبا، حصبه، اسهال، ژیاودییا و... می‌شوند. وبا از طریق مصرف آب آلوده یا آبیاری سبزی‌های مصرفی با آب آلوده به فاضلاب، منتقل می‌شود. کشور ما از کشورهای کم آب جهان محسوب می‌شود، بنابراین همین آب اندک و باارزش و حیاتی، از طریق تخلیه فاضلاب‌های مختلف، دفن غیراصولی زباله و مواد زاید، مصرف غیراصولی کودهای شیمیایی و سموم، آلوده می‌شود. این آلودگی روزبه‌روز بیشتر می‌شود. فقدان شبکه فاضلاب مناسب، یکی از عوامل مؤثر در ایجاد و تشدید آلودگی است.

۳ - فرسایش و آلودگی خاک

در شرایط اقلیمی کشور ما ۱۰۰ الی ۲۰۰ سال لازم است تا تنها یک سانتی‌متر خاک تشکیل شود. (۳) در چنین وضعی، طی سال‌های اخیر با تخریب جنگل‌ها و مراتع از طریق شخم نابه‌جا، چرای بی‌رویه و تخریب و پاک‌تراشی جنگل‌ها، طبیعت سرسبز به‌بیابان‌های خشک تبدیل شده، در نتیجه باران‌های فصلی و به راه افتادن سیلاب‌های مخرب، فرسایش خاک و ویرانی مزارع و مراتع را شاهدیم. سیلاب‌ها، سمپاشی‌های غیراصولی،

استفاده بی‌رویه کودهای شیمیایی و استفاده از آب‌های آلوده، آثار مخربی بر اراضی زراعی و منابع خاک به‌جا گذاشته است.

۴ - نابودی جنگل‌ها

در طی سه دهه اخیر در کشور ما، سطح جنگل‌های شمال کشور به نصف کاهش یافت و از ۳/۸ میلیون هکتار به ۱/۹ میلیون هکتار رسید. مراتع نیز از ۱۲۶ میلیون هکتار به ۹۰ میلیون هکتار کاهش یافته است. بدین ترتیب بروز پدیده‌های بیابان‌زایی و متروکه شدن روستاها و مهاجرت از روستاها به شهر قطعی است.

۵ - آلاینده‌های سمی و خطرات ناشی از آنها

گروهی از آلاینده‌های سمی، آلوده‌کننده‌های ارگانیکی پایدار هستند، از جمله د.د.ت، دی‌اکسین‌ها و PCB (پلی‌کلروفنیل). این دسته آلاینده‌ها در چربی‌ها حل می‌شوند و در بدن باقی می‌مانند. مواد سمی ارگانیکی پایدار تأثیرات منفی بر زنان و توانایی آنها در به‌دنیا آوردن کودکان سالم می‌گذارد. شیر مادرانی که در معرض تماس با این آلاینده‌ها هستند، آلوده به این مواد سمی است. مطالعات نشان می‌دهد ارزش غذایی شیر مادرانی که حاوی میزان بالایی از DDT و PCB است، به میزان ۴۰ درصد کاهش می‌یابد.

۶ - مصرف بی‌رویه و تولید مواد زاید و زباله

مصرف بیش از حد نیاز، آثاری نامطلوب و زیانبار به‌دنبال دارد. سوخت‌های مصرفی در کشورهای صنعتی، به وجود آورنده اکسیدهای گوگرد و ازت هستند که باران‌های اسیدی را موجب می‌شوند. تولید زباله‌های خطرناک شیمیایی، استفاده از کولر گازی، اسپری‌ها و تولید کلروفلورو کربن (CFC) منهدم‌کننده لایه اُزن در نتیجه فعالیت کارخانجات کشورهای صنعتی و تأسیسات نظامی آنهاست. افزایش مصرف مواد، بحران‌های بزرگی را در شهرها ایجاد کرده‌است. آلودگی ناشی از مواد زاید و زباله‌ها در شهرها و مراکز صنعتی به‌گونه‌ای است که متخصصان را به یافتن راه‌های صحیح دفع و بازیافت اصولی این مواد رهنمون شده‌است. بازیافت، تعدیل‌کننده مصرف منابع طبیعی است و عمر منابع طبیعی تجدیدنپذیر را طولانی می‌کند و از نظر زیست‌محیطی اهمیتی فوق‌العاده دارد.

عدم کنترل زباله‌های شهری در حد بسیار وسیع موجب آلودگی آب، خاک و هوا می‌شود و بیش از ۱۱۸ نوع از بیماری‌های عفونی و انگلی را ایجاد می‌کند. (۴)

تهیه بی‌رویه کود از زباله و آبیاری مزارع کشاورزی با فاضلاب‌های خام و بیمارستانی از عوامل ایجادکننده بیماری‌های باکتریایی، انواع اسهال و بیماری‌های انگلی (کرمی) است. بنا بر تحقیقات صورت گرفته در یک شهر یک میلیونی سالانه یازده هزار تُن کاغذ به‌عنوان زباله دور ریخته می‌شود. این رقم در ایران حدود هفتصد هزار تُن برآورد می‌شود که در صورت بازیافت از تخریب ده هزار هکتار جنگل و قطع دوازده میلیون اصله درخت به‌عنوان ماده اولیه پیشگیری می‌شود و انرژی مورد نیاز برای تولید هر تُن کاغذ به ۳۴ و آب مصرفی نیز به نصف کاهش می‌یابد. بازیافت کاغذ در مقایسه با تولید آن از چوب، ۷۴ درصد از آلودگی هوا و ۳۵ درصد از آلودگی آب می‌کاهد. این کاهش در بازیافت آهن و آلومینیم نیز درصدهای متفاوت دارد.

در تهران روزانه بیش از هفت تن زباله تولید می‌شود که بخش عمده آن قابل بازیافت و استفاده مجدد است. از آنجا که توان لازم برای بازیافت صحیح این زباله‌ها یا دفن مناسب آنها وجود ندارد، شاهد آلودگی رو به افزایش محیط‌زیست هستیم.

نقش تاریخی زنان در حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی

طبیعت و محیط‌زیست بخشی از امانت الهی است که در طول تاریخ، زنان نقشی مسئولانه‌تر در حفظ و حراست آن داشته‌اند. بسیاری از مظاهر و پدیده‌های طبیعت در عهد باستان به اساطیر زن نسبت داده شده است. مفاهیمی چون حیات‌بخشی، پرورش دادن به شیره جان، تحمل، سکوت، فنا شدن برای دیگران، زایش و باروری را در قالب الهه آب، الهه آتش، مادر زمین، الهه زیبایی و باروری، خورشید، شفا بخشی، الهه حاصل خیزی و کشاورزی، مظهر آسایش و امنیت، فراهم آورنده خوراک و مظهر پرستاری، به‌عنوان مصادیق تاریخی از نقش زنان در محیط‌زیست می‌توان یافت. امروزه مهم‌ترین دغدغه زنان به‌عنوان رهبران سازمان‌های محیط‌زیستی و حرکت‌های ضد آلودگی محیط‌زیست، آلاینش محیط‌زیست است.

مهم‌ترین نقش‌های زنان در حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی

حفظ محیط‌زیست بدون مشارکت مردم به‌ویژه مشارکت زنان امکان‌پذیر نیست. بسیاری از اندیشمندان معتقدند ترویج فرهنگ زیست‌محیطی در هر جامعه‌ای عمدتاً از طریق زنان آگاه و معتمد به‌نفس و توانمند میسر است، بنابراین:

۱- انتقال فرهنگ و دانش زیست‌محیطی به‌نسل‌های آینده توسط زنان صورت می‌گیرد. پرورش و تربیت فرزندان بر عهده زنان است و کودکان از زمان تولد، شیوه زندگی و ارتباط با محیط را از مادر می‌آموزند. زنان ابتدا باید اهمیت موضوع و شدت بحران محیط‌زیست را درک کنند تا بتوانند آگاهی لازم را به افراد خانواده خود و گروه‌هایی که در آنها عضویت دارند انتقال دهند. چنانچه فرهنگ زیست‌محیطی در مادران رسوخ کند، می‌توانند این میراث ارزشمند را به فرزندان منتقل کنند. انتقال فرهنگ مناسب زیست‌محیطی علاوه بر فطرت و غریزه شخصی زنان، بستر و ابزار مناسب می‌طلبد که می‌بایستی در اختیارشان قرار گیرد. یک زن محروم از امکانات، قادر به انتقال یک فرهنگ مناسب نخواهد بود.

۲- زنان به‌دلیل نقش مهمی که در اداره خانه و تربیت کودکان دارند، طبعاً فرهنگ مصرف را (که نقش ویژه‌ای در اصلاح رفتار زیست‌محیطی دارد) در خانه و بین افراد خانواده ایجاد کرده و شکل می‌دهند. کاهش مصرف آب و برق، کاهش خرید و مصرف انواع اسپری‌ها، صرفه‌جویی در مصرف کاغذ و دستمال کاغذی، کاهش مصرف پلاستیک و ظروف یک‌بارمصرف، استفاده منطقی از شوینده‌ها، آموزش کاهش رفت و آمدهای غیرضروری با وسیله نقلیه شخصی و امثال این‌ها کمک بزرگی به حفظ محیط‌زیست خواهد کرد.

۳- زنان به‌دلیل نقش مدیریتی که در خانه بر عهده دارند، برنامه‌ریزان خوبی برای اصلاح و حفظ محیط‌زیست خانه و محله می‌باشند. بخش عظیمی از مشکلات موجود زیست‌محیطی، با برنامه مناسب برای نظافت خانه، جدا کردن زباله‌ها، تهیه کود آلی از زباله تر، شستشوی خودرو با آب اندک، آبیاری باغچه منازل به شیوه مطلوب و در زمان مناسب و بسیاری موارد دیگر از این دست، حل خواهد شد.

۴- زنان روستایی به دلیل نقش مهمی که در کشاورزی دارند، قادرند از مصرف سم کاسته و با استفاده مناسب از کود، در حفظ محیط زیست مؤثر باشند.

۵- زنان روستایی به علت سابقه دیرینه در تشکل های سنتی محلی می توانند قدرت قابل توجهی در فعالیت های گروهی زیست محیطی و حفظ منابع طبیعی داشته باشند. اگر بخواهیم زنان را در حفظ منابع طبیعی مسئول کنیم، به یک برنامه ریزی با امکانات و سرمایه های مناسب نیازمندیم. برای ایجاد ارتباط مناسب بین شیوه های سنتی حفاظت از منابع طبیعی و برنامه ریزی نو علمی می بایستی به طور معقول اندیشید و جایگزین های مناسب پیدا کرد. تشکل های تعاونی و جلب مشارکت زنان روستایی، از بهترین شیوه های عمل در این زمینه است. روستاییان بدین طریق می توانند نقش مهمی ایفا کرده و نیازها و مشکلات زیست محیطی را شناخته و جهت اصلاح آنها اظهار نظر کنند.

شیوه های تنظیم و کاهش مصرف و نقش زنان در این زمینه

۱- افزایش آگاهی زنان در مورد مصرف صحیح

زنان باید نسبت به چگونگی کارکرد و عمل خود برای افزایش بهره وری خانواده و کاهش آلودگی محیط زیست آگاه باشند. این کار در صورتی عملی است که زنان در زندگی روزمره، الگوی صحیحی از مصرف داشته باشند، مثلاً با تهیه فهرست نیازهای منزل، در روز معینی از هفته، همه آنها را خریداری کنند، از این طریق از تردد چندباره خودرو کاسته و به کاهش آلودگی هوا کمک نمایند.

۲- آگاهی از شیوه های صرفه جویی در انرژی

آموزش صرفه جویی در انرژی، در خانواده و توسط مادر صورت می گیرد و بر اصلاح رفتار افراد خانواده مؤثر است. به عنوان مثال عدم استفاده از وسایل برقی پرمصرف در ساعات اوج مصرف یا خرید وسایل برقی دارای برچسب انرژی.

۳- استفاده از اجناس بادوام

برنامه ریزی برای خرید و استفاده از محصولات بادوام تر موجب می شود این محصولات دیرتر وارد مجموعه زباله ها شوند و یا با تعمیر، مجدداً مورد استفاده قرار گیرند.

۴- کاهش مصرف کالاهای یک بار مصرف

کاستن مصرف کالاهایی از این دست، از تولید و افزایش زباله و وارد شدن آسیب به محیط زیست جلوگیری می کند.

۵- کاهش حجم زباله ها از طریق بازیافت و کاهش میزان سم زباله های خانگی

زنان با جدا کردن زباله ها و مواد زاید خانگی در منزل، تا حد بسیاری از تولید «شیرابه» زباله جلوگیری می کنند. شیرابه زباله سمی است و در محل دفن، آب و خاک را آلوده می کند. با رعایت موازین بهداشتی می توان مواد قابل بازیافت را به کارخانه های پلاستیک و کاغذسازی منتقل کرد و مورد استفاده مجدد قرار داد.

نقش زنان در ارتباط با مواد زاید و تولید زباله

نقش زنان روستایی، عشایر و زنان شهری در کاهش مواد زاید، متفاوت است. میزان تولید ضایعات غذایی خانوارهای روستایی در مقایسه با خانوارهای شهری بسیار کمتر است، در عین حال با منطقه، آب و هوا و نحوه زندگی آنها بستگی دارد. ضایعات خانواده‌های روستایی اکثراً به مصرف می‌رسد.

زندگی زنان عشایری به گونه‌ای است که در روند خود ضایعات و مواد آلوده کننده بر جای نمی‌گذارند یا میزان آن بسیار ناچیز است. عمده سوخت عشایر از مواد گیاهی است که زایداتی به جز خاکستر ندارد. در زندگی عشایری کمتر از پلاستیک و کاغذ و مقوا استفاده می‌شود. ظروف ماست و پنیر و روغن و آب از پوست ساخته می‌شود. ماهیت زندگی شهری، تولید زباله بیشتر را به دنبال دارد. زن در خانواده شهری می‌تواند با به کار گرفتن تدبیرها و تمهیداتی (ایفای نقش‌های اقتصادی و فرهنگ‌سازی) در کنترل زباله خانه خود نقشی مؤثر داشته باشد.

مدیریت زباله در خانه

- ۱- صرفه‌جویی در مصرف و تنظیم برنامه خانوار در این زمینه.
- ۲- جمع‌آوری و تفکیک زباله در ظروف مختلف.
- ۳- آموزش به فرزندان در زمینه بازیافت مواد جهت بهسازی محیط.

نقش زنان در مقابله با آلودگی آب و هوا

فراگیری نقش زنان در محافظت از آب با آموزش کودکان محقق می‌شود. هر کودک از نخستین سال‌های زندگی باید از مادر بیاموزد که کثافات و زباله‌ها را در آب نریزد. در رودخانه‌هایی که تبدیل به گنداب شده‌اند، ماهی‌ها زنده نمی‌مانند. وقتی جنگل و مرتع به بیابان مبدل شود، آب باران هدر رفته و با ایجاد سیل همه چیز را در سر راه خود خراب و ریشه کن می‌کند.

زنان آشنا با فرهنگ صحیح مصرف آب و انتقال آن به افراد خانواده می‌توانند سالانه ۷۵ هزار لیتر آب فقط در مصرف خانواده خود صرفه‌جویی کنند. (۵)

زنان برای جلوگیری از آلودگی هوا می‌توانند به فرزندان‌شان بیاموزند: از تردد غیرضروری با خودروی شخصی خودداری کنند؛ نیز با خودداری از مصرف انواع اسپری و استفاده از یخچال بدون CFC و اتومبیل بدون کولر از تخریب لایه اُزن جلوگیری نمایند.

مسائل و مشکلات محیط‌های روستایی

مسائل و مشکلات موجود در محیط‌های روستایی در زمینه محیط‌زیست به‌طور عام عبارتند از:

- ۱- عدم کفایت قانونمندی در استفاده از منابع طبیعی نظیر آب و خاک.
- ۲- عدم توجه به سنت‌های سازگار با محیط زیست.
- ۳- عدم استفاده از شیوه‌های قدیمی مرتع‌داری و سازگار با وضع اقلیمی کشور.
- ۴- استفاده بی‌رویه از سموم و کود شیمیایی در کشاورزی.

- ۵- بهره‌برداری بی‌رویه از جنگل‌ها.
- ۶- بهره‌برداری غلط از مراتع و جنگل‌ها که باعث کاهش منابع آب‌های زیرزمینی و فرسایش خاک می‌شود.
- ۷- استفاده از فاضلاب به عنوان آب کشاورزی.
- ۸- بهره‌برداری نادرست از منابع آب سطحی و زیرزمینی.
- ۹- عدم آگاهی از نقش گیاهان در ذخیره‌سازی آب‌های زیرزمینی و جلوگیری از فرسایش خاک.
- ۱۰- عدم آشنایی افراد با مواد خطرناک از جمله مواد شیمیایی و رادیواکتیو.

مسائل و مشکلات زنان در ارتباط با حفظ محیط‌زیست

- مسائل و مشکلات زنان در ارتباط با حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی به‌طور عمده عبارتند از:
- ۱- محدودیت سهم زنان در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه و محیط‌زیست.
 - ۲- محدودیت دسترسی زنان به آموزش‌های رسمی و غیررسمی به علت کار طولانی و متعدد، اعم از فعالیت در خانه، محل کار، روستا و مزرعه.
 - ۳- عدم کفایت و تناسب آموزش‌های همگانی زیست‌محیطی به‌ویژه عدم توجه رسانه‌های گروهی به این امر.
 - ۴- ناآگاهی زنان از آثار زیست‌محیطی مواد شیمیایی مصرف خانگی نظیر پاک‌کننده‌ها و سفیدکننده‌ها.
 - ۵- نامناسب بودن تکنولوژی‌های موجود با وضع کشور ما و عدم آشنایی زنان روستایی با کاربرد این تکنولوژی‌ها.
 - ۶- ناشناخته‌بودن نقش کلیدی زنان در بخش کشاورزی.
 - ۷- کمبود مروجین زن در کشاورزی.
 - ۸- نادیده گرفتن تجربه‌های زنان روستایی و عشایری در توسعه.
 - ۹- عدم کفایت تشکیلات مربوط به زنان روستایی و عشایری.
 - ۱۰- عدم دسترسی زنان، به‌ویژه زنان روستایی به شغل مناسب در مقایسه با مردان، در نتیجه بی‌توجهی به امکان مشارکت آنها.
 - ۱۱- فزونی شمار زنان فقیر نسبت به مردان فقیر که موجب کاهش اعتماد به نفس این زنان و آگاهی لازم برای انتقال فرهنگ زیست‌محیطی به فرزندان است.
 - ۱۲- عدم دسترسی زنان روستایی فقیر به ابزار لازم نظیر مالکیت زمین و بهره‌گیری از اعتبارات و وام‌های کشاورزی.

مشارکت مردمی زنان

مشارکت مردمی یعنی دخالت همه جانبه مردم اعم از هم‌فکری، هم‌کاری، تصمیم‌گیری و اجرا در امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی که به آنها امکان می‌دهد در فرآیند مدیریت جامعه، شرکت مؤثر و کارآمد داشته‌باشند. از آنجا که زنان بخش مهم و تعیین‌کننده جمعیت در حفظ محیط‌زیست به‌شمار می‌روند، تسهیل مشارکت آنان در فعالیت‌های مربوط به حفظ محیط‌زیست و توسعه، به‌صورت کارآمد و سودمند به‌ترتیب زیر ضروری است:

- ۱- ایجاد امکان شرکت زنان در مدیریت زیست‌محیطی جامعه در قالب گروه‌های اندیشمند و سازمان‌یافته به عنوان همکاران دولت. این مهم می‌تواند از طریق همکاری با شوراهای شهر و روستا به انجام برسد.
- ۲- تضمین افزایش سهم زنان در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، مشاوره و خدمات مربوط به محیط زیست و توسعه و حضور نمایندگان و تشکل‌های زنان در مراکز و نهادهایی که به شکل منظم و برنامه‌ریزی‌شده با محیط‌زیست مرتبط هستند.
- ۳- ارائه آموزش‌های رسمی و غیررسمی از راه‌های گوناگون به‌ویژه گروه‌های مردمی جهت ارتقای آگاهی و نقش زنان در توسعه پایدار و حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی.
- ۴- طراحی برنامه‌های مؤثر و عملی برای تغییر الگوهای نامناسب مصرف و تنظیم الگوهای مصرف بهینه با مشارکت فعال زنان و تشکل‌های آنها.
- ۵- تلاش دولت برای بالا بردن سطح آموزش، تغذیه و بهداشت زنان و تقویت گروه‌های آنها برای مشارکت هرچه بیشتر در امر توسعه پایدار.
- ۶- تدوین برنامه‌هایی برای آگاهی‌دادن و مشارکت فعال زنان با تأکید بر نقش حیاتی آنان در تحقق دگرگونی‌های ضروری برای کاهش یا حذف الگوهای ناپایدار مصرف و تولید.
- ۷- ارتقای دانش زنان در مورد مواد خطرناک، شیمیایی و رادیواکتیو.
- ۸- توسعه تشکیلات زنان روستایی در قالب تعاونی‌ها و گروه‌های دیگر.

چندراهکار ساده برای کاهش زباله:

- ۱- حتی‌الامکان از مصرف نایلون خودداری کنیم.
- ۲- حتی‌الامکان از ظروف یک‌بارمصرف استفاده نکنیم.
- ۳- غذا را به میزان لازم تهیه کنیم تا مواد غذایی به زباله تبدیل نشود.
- ۴- با خرید هفتگی یا روزانه به اندازه نیاز از کهنه‌شدن و فساد آنها جلوگیری کنیم.
- ۵- برای حمل خریدهای روزانه از ساک پارچه‌ای به جای نایلکس استفاده کنیم.
- ۶- نوشیدنی‌های مورد نیاز خود را با ظرف‌های شیشه‌ای یا فلزی خریداری کنیم.
- ۷- به جای دستمال کاغذی از دستمال پارچه‌ای نرم استفاده کنیم.
- ۸- خرده نان، پسمانده سبزی و... را برای تغذیه پرندگان و حیوانات خانگی مصرف کنیم.
- ۹- زباله‌های خشک نظیر کاغذ، شیشه، پلاستیک، مقوا و فلزات را جداگانه جمع‌آوری کنیم.
- ۱۰- قبل از دور انداختن هر چیز فکر کنیم آیا می‌توان آن را در جای دیگر استفاده نماییم، مثلاً از شیشه‌های بزرگ برای نگهداری حبوبات، شکر و... استفاده کنیم؟
- ۱۱- با مصرف کمتر، زباله کمتری ایجاد کنیم.
- ۱۲- برای تغذیه کودکان در مدرسه، به جای کیسه فریزر از کیسه پارچه‌ای استفاده کنیم.
- ۱۳- از تمام قسمت‌های کاغذ و دو روی آن استفاده کنیم.
- ۱۴- به فرزندان خود حفاظت از محیط‌زیست را با مصرف کمتر و پاکسازی محیط، بیاموزیم.

فهرست منابع:

- ۱- سینا معماری، فرآیند نقش زنان در توسعه پایدار و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، پاییز ۷۸.
- ۲- جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست، نقش زنان در حفاظت از محیط زیست، تهران، آذرماه ۷۳.
- ۳- حمید طراوتی و سیدامیر دیانت، دستورکار ۲۱، ترجمه انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست و برنامه عمران ملل متحد (UNDP) ۱۳۷۷.
- ۴- سازمان حفاظت محیط زیست، زن و توسعه پایدار، تابستان ۱۳۷۸.
- ۵- کورش فتحی واجارگاه و محسن فرمیپنی فراهانی، دانش زیست محیطی زنان برای توسعه پایدار، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
- ۶- جواد یوسفیان، نقش زنان و به ویژه زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست، هشتمین همایش سیمای زن در جامعه، دانشگاه الزهراء، مهر ۱۳۷۸.
- ۷- امیرمظفر امینی و شراره پورابراهیم، مشارکت زنان خانه دار در بازیافت مواد، رهیافتی برای حفظ محیط زیست، هشتمین همایش سیمای زن در جامعه، دانشگاه الزهراء، مهر ۱۳۷۸.
- ۸- منیره مجلسی، تغییر الگوی مصرف، گامی به سوی کاهش آلودگی محیط زیست، هشتمین همایش سیمای زن در جامعه، دانشگاه الزهراء، مهر ۱۳۷۸.
- ۹- اشرف السادات موسوی لری، زن مادر طبیعت، هشتمین همایش سیمای زن در جامعه، دانشگاه الزهراء، مهر ۱۳۷۸.
- ۱۰- حوریه برادران خسروشاهی، ارائه راهکارهای عملی در راستای توسعه فرهنگ زیست محیطی با تأکید بر نقش سازمان های دولتی، تشکل های مردمی و رسانه های همگانی، هشتمین همایش سیمای زن در جامعه، دانشگاه الزهراء، مهر ۱۳۷۸.
- ۱۱- زهرا آصفی راد، بررسی نقش زنان روستایی در پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست، هشتمین همایش سیمای زن در جامعه، دانشگاه الزهراء، مهر ۱۳۷۸.
- ۱۲- فرشته موثق نژاد و فرزانه موثق نژاد، سلامتی زنان، پایه رفاه و سعادت خانواده و تندرستی جامعه، هشتمین همایش سیمای زن در جامعه، دانشگاه الزهراء، مهر ۱۳۷۸.

پی نوشت ها:

- ۱ - دستورکار ۲۱، سندی است برای توسعه پایدار در قرن ۲۱ که در چهاردهم ژوئن ۱۹۹۲ (۱۳۷۱) در کنفرانس ریو به تصویب رسید.
- ۲ - فرشته موثق نژاد و فرزانه موثق نژاد، سلامتی زنان - پایه رفاه و سعادت خانواده و تندرستی جامعه.
- ۳ - جواد یوسفیان، نقش زنان و به ویژه زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست.

نویسنده: هاله سهراب زاده